

تفسیر حکمت تکرار «تمثیل دنیا» در قرآن

تمثیل یکی از اسلوب‌هایی است که در قرآن جهت هدایت انسان به کار رفته است. از این رو هر جا حکمت الهی اقتضا نموده است با ذکر تمثیلی مسیر فهم مسئله تسهیل گردیده و حجت بر مخاطبین تمام گشته است.



تمثیل یکی از اسلوب‌هایی است که در قرآن جهت هدایت انسان به کار رفته است. از این رو هر جا حکمت الهی اقتضا نموده است با ذکر تمثیلی مسیر فهم مسئله تسهیل گردیده و حجت بر مخاطبین تمام گشته است.

چکیده

تمثیل یکی از اسلوب‌هایی است که در قرآن جهت هدایت انسان به کار رفته است. از این رو هر جا حکمت الهی اقتضا نموده است با ذکر تمثیلی مسیر فهم مسئله تسهیل گردیده و حجت بر مخاطبین تمام گشته است. قرآن درباره زندگی دنیا از تمثیل آب باران استفاده نموده و آن را در آیات 24 سوره یونس، 45 سوره کهف و 20 سوره حدید تکرار کرده است. تحلیل و بررسی این تمثیلات سه‌گانه نشان از تبیین ابعاد و مراتب مختلف حیات در قالب یک تمثیل ساده دارد. این مقاله بر آن است تا حکمت تکرار و ارتباط و تناسب این آیات را مورد واکاوی قرار دهد.

واژگان کلیدی

آیه 24 یونس، آیه 45 کهف، آیه 20 حدید، تمثیل دنیا، تکرار، تناسب.

طرح مسئله

خداوند در آیات متعددی به موضوع به کارگیری تمثیل در کتابش اشاره نموده و در آیات: ابراهیم / 25، حشر / 21، عنکبوت / 43 یادآور می‌شود که این مثل‌ها برای «تفکر و تذکر» و برای پیدایش تنبه در فهم حقایق قرآنی و عبرت‌پذیری در مقام عمل است. یعنی مدار و محور به کارگیری تمثیل در قرآن یا مربوط به جنبه معرفتی مسئله است، یا با جنبه ایمانی و قلبی آدمی ارتباط دارد، در هر حال غرض آن، سوق دادن انسان به سوی غایتی است که غرض نزول قرآن محسوب می‌شود و آن مسئله هدایت انسان و تقرب او به سوی خداوند است.

یکی از نکات قابل تأمل در تمثیلات قرآنی «تکرار» آن است که این امر از سوی برخی به عنوان اشکال مطرح است. طرح این ایراد اندیشمندان اسلامی را واداشت تا هر یک به فراخور دانش خود و با نگرش ادبی و بلاغی به موضوع «تکرار» بپردازند و در پاسخ به عدم وجود گسست در آیات قرآن، بحث تناسب آیات و برخورداری قرآن از ساختار منطقی و روشمند را مطرح و کتب متعددی را در این زمینه به رشته تحریر در آورند.

در اینجا این سؤال مطرح است که: چرا «تمثیل دنیا» در قرآن سه بار تکرار شده است؟ حکمت این تکرارها چیست؟

مقدمه

تکرار آیات و داشتن تناسب میان آنها از وجوه اعجاز قرآن به شمار می‌آید. قرآن کریم از زمان نزول تاکنون همواره مخالفان خود را به تحدی و مبارزه فرا خوانده است. بدیهی است که در عصر نزول، امکان وقوع چنین عملی برای مقابله با قرآن بیش از امروز فراهم بود؛ چراکه در عصر نزول، شاعران و حکمای عرب، بیش از عصر حاضر از فصاحت و بلاغت برخوردار بوده‌اند. ولی همان‌طور که تاریخ گواهی می‌دهد آنها به واسطه ناتوانی در تحدی با قرآن، دست به شمشیر برده و راهی غیر از مقابله علمی و ادبی با قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در پیش گرفتند و حتی بعضی از شخصیت‌های با نفوذ آنها از جمله «ولید بن مغیره» با دادن نسبت‌هایی ناروایی مانند: شاعر، کاهن، مجنون و ساحر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) (سیوطی، 1421: 6 / 450) بر آن شدند تا در کنار مبارزه فیزیکی، فضای روحی و روانی جامعه را نیز علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) تحریک کنند تا مسیر دستیابی به اهدافشان هموار گردد.

با گذشت زمان و طرح اشکالاتی از سوی مخالفان در دو حوزه «تکرار» و «چینش و ترتیب آیات» موجب شد تا اندیشمندان در

حوزه‌های تفسیر، بلاغت و علوم قرآنی به تحرک و جنبش درآیند و هر یک از زاویه خاصی برای دفاع از حریم قرآن وارد عرصه گسترده مبارزه علمی شوند. ره آورد این تلاش‌های علمی و فکری تدوین کتاب‌های متعدد در این دو حوزه است. کتاب‌هایی مانند تنزیه القرآن عن المطاعن از قاضی عبدالجبار، تأویل مشکل القرآن از ابن‌قتیبہ دینوری، بدیع القرآن از ابن‌ابی‌الاصبع مصری و حقائق التأویل فی متشابه التّنزیل از شریف رضی و الاعجاز و الایجاز از ثعالبی از جمله کتاب‌هایی هستند که در حوزه بلاغی از بحث «تکرار در قرآن» غافل نمانده‌اند و با استدلال‌های علمی و متقن، ساحت قرآن را از تکرار مذموم به دور دانسته‌اند.

مسئله تناسب آیات که مبتنی بر اصل توقیفی بودن چیدمان آیات می‌باشد از آغاز تفسیر قرآن در صدر اسلام تاکنون همواره مورد توجه مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی بوده و در عصر حاضر نیز موضوع ساختارمندی آیات و سوره‌های قرآنی بیش از هر زمان دیگری افکار و اندیشه‌ها را به سوی خود جلب کرده است. بقاعی در نظم الدرر، سعید حوئی در الأساس فی التفسیر، جوادی آملی در تسنیم، هریک به تفصیل یا به اجمال به مسئله تناسب آیات پرداخته‌اند. این مقاله بر آن است تا با توجه به دو مسئله «تکرار و تناسب» سه آیه از آیات دارای تمثیل را که مربوط به زندگی دنیا است با رویکرد تفسیری مورد واکاوی قرار دهد.

مفهوم‌شناسی تکرار و تناسب

«تکرار» در لغت به معنای دوباره گفتن، اعاده کردن، عملی را دو یا چند مرتبه انجام دادن، باز گفتن و چند بار گفتن یک مطلب است. (معین، 1376: 1 / 1126؛ دهخدا، 1373: 4 / 6049)

ملاحظه معانی مذکور بیانگر آن است که در کتب لغت فارسی تفاوتی میان، «تکرار و اعاده» قائل نشده و آن را به صورت مترادف معنا نموده‌اند ولی ابوهلال عسکری در بیان تفاوت میان «تکرار» و «اعاده» می‌نویسد:

تکرار، گفتن چیزی است برای یک یا چند بار، ولی «اعاده» برای یک بار گفتن است. وقتی می‌گویند: اعادَ فلانُ کذا؛ یعنی آن گفتار را فقط یک بار بازگو کرد ولی اگر گفته شود: کرّر فلانُ کذا تعداد بازگویی نامشخص و مبهم است و معلوم نیست که دو یا چند بار بازگو شده است. (عسکری، 1412: 138)

بنابراین نسبت میان «تکرار و اعاده»، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر تکراری اعاده است ولی هر اعاده‌ای تکرار نیست.

مؤلف اسالیب المعانی در تعریف تکرار می‌نویسد:

تکرار عبارت است از اینکه: گوینده سخن، یک لفظی را بیاورد سپس عین همان را بیان کند چه لفظ دوم متفق المعنی با لفظ اول باشد و چه متفاوت با آن، یا یک معنایی را بیاورد و سپس آن را اعاده نماید. (حسینی، 1428: 495)

قریب به همین مضمون در جواهر البلاغه نیز آمده است؛ به نظر می‌رسد که این تعریف جامع‌تر باشد «ذکر الشی مرتین أو اکثر لأغراض». (هاشمی، 1417: 229) جامعیت این تعریف از آن جهت است که تعریف اول فقط جنبه شفاهی سخن را دربر می‌گیرد، درحالی‌که یک سخن می‌تواند از دو حالت شفاهی و کتبی برخوردار باشد و لفظ «ذکر الشی» عام است.

بنابراین تکرار یا با لفظ واحد است و یا با الفاظ متفاوتی که بازگشت به معنای واحد دارد و در میان عرب تکرار کلمه برای بیان شدت عظمت و یا خبردادن از خوف و خطر، امری رایج بوده است. (حضری، 1431: 25) و این سبک بیان، در قرآن نیز به کار رفته است.

تناسب: از نظر لغت وجود داشتن نسبت و رابطه میان دو کس یا دو چیز و در اصطلاح علم بدیع به معنای مراعات النظیر است. (دهخدا، 1373: 14 / 976) بنابراین کلمه تناسب در معنای عام خودش، هر نوع اتصال، پیوستگی و ارتباط نزدیک میان دو چیزی که موجب شکل‌گیری یک مجموعه نظام‌مند شود را شامل می‌شود.

یکی از علومی که نقش عظیمی در تبیین علل ترتیب آیات و چیدمان آنها در کنار یکدیگر دارد علم مناسبت است. سیوطی در تعریف این علم می‌گوید:

علم مناسبت عبارتست از: شناخت همه اصول و قواعد کلی و مسائلی که به ما کمک می‌کند تا به علل و اسباب قرار گرفتن آیه‌ای در کنار آیه دیگر از قرآن پی ببریم. (سیوطی، 1323: 27)

انواع تکرار

تکرار در یک نگاه کلی به مفید و غیرمفید تقسیم می‌شود. از آنجایی که تکرار غیرمفید، محل فصاحت است و قرآن کریم که کلام خداست و در اعلی مرتبه فصاحت و بلاغت قرار دارد، از این نقص مبرا است؛ اصل این است که تکرار بی‌فایده در قرآن وجود ندارد. بنابراین اگر عبارتی در قرآن به ظاهر تکرار شده باید به قبل و بعد آن توجه شود تا فایده تکرار آن کشف گردد. (ابن‌اثیر، 1380: 3 / 8)

در یک تقسیم می‌توان تکرارهای قرآنی را به دو نوع تقسیم کرد:

1. تکرار لفظ با معنای واحد برای اغراض مختلف، مثل تکرار لفظ «اولئک» در آیه 5 سوره رعد: «وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَتَيْنَا بِحَقٍّ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

2. تکرار معنا با الفاظ متفاوت، مثل تکرار معنای «عفو و گذشت» در آیه 14 سوره تغابن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَذُوٌّ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» در این آیه سه کلمه «عفو، صفح و مغفره» به یک معنا است و غرض و هدف تکرار، تحسین عفو پدر از فرزند و شوهر از همسر است. (ابن‌اثیر، 1380: 3 / 29)

قالب‌ها و اهداف تکرار در قرآن

قالب‌ها: پیش فرض عدم وجود تکرار غیرمفید در قرآن، و حکیمانه بودن چیدمان کلمات و آیات، پشتوانه محکمی برای عالمان و اندیشمندان اسلامی است، تا با تأمل و تدبر در آیات قرآن، اسرار و اغراض نهفته در تکرار آیات و تناسب میان آنها را دریابند. مطالعه کلمات، عبارات و آیات تکراری در قرآن نشان از آن دارد که این اسلوب، از جهت کمی در قالب‌های مختلف و برای اغراض متفاوتی تدوین شده که در نوع خود بی‌نظیر است. از جمله قالب‌های کمی تکرار در قرآن عبارتند از:

1. تکرار یک حرف در یک آیه: مثل تکرار حرف «فاء» در آیه 54 سوره بقره.

2. تکرار یک کلمه در یک آیه: مثل کلمه «اولئک» در آیه 5 سوره رعد.

3. تکرار یک کلمه در دو آیه متوالی: مثل کلمه «القارعة» در آیات 1 و 2 سوره قارعة.

4. تکرار دو کلمه در یک آیه: مثل کلمه «اصحاب المیمنة» در آیه 8 سوره واقعه.

5. تکرار دو کلمه در دو آیه متوالی: مثل تکرار «یا قوم» در آیات 38 و 39 سوره غافر.

6. تکرار یک عبارت در دو آیه متوالی: مثل تکرار عبارت «ما اذراک ما یومُ الدین» در آیات 17 و 18 سوره انفطار.

7. تکرار یک آیه در یک سوره به‌طور متناوب: مثل، آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان» در سوره «الرحمن» است که سی و یک مرتبه تکرار شده، و آیه «وَلَيْلٌ يُّؤَمِّنُ لِلْمُكَذِّبِينَ» در سوره مرسلات که ده مرتبه تکرار شده، و آیه «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» در سوره شعراء که پنج مرتبه و در هر مرحله بعد از ذکر داستان رسالت پیامبران الهی؛ حضرت نوح، هود، صالح، لوط و شعیب از زبان آنان نقل شده است.

اهداف: از مطالب پیش‌گفته برمی‌آید که هدف‌های نهفته در تکرار هر آیه را باید در خود آیه و به تناسب فضای لفظی و معنوی حاکم بر همان آیه جستجو کرد، و همین‌طور با توجه به آیات پسین و پیشین که به واسطه نزول یکباره و یا بنابر چیدمان حکیمانه، کنار هم گرد آمده‌اند و در یک ارتباط وثیق با یکدیگر، معنا و مقصود خاصی را دنبال می‌کنند. شاید به همین دلیل باشد که بعضی معتقدند: «غرض و هدف نهفته در تکرار، از سیاق جمله فهمیده می‌شود و نمی‌توان از بیرون بر آن تحمیل کرد.» (حسینی، 1368: 497)

از نظر مؤلف بدیع القرآن هدف‌های تکرار در کلام فصیح انوعی دارد، از جمله تکرار برای: مدح، وعید، تهدید، و استبعاد است (ابن ابوالاصبع، بی‌تا: 151) مثلاً در آیه 36 سوره مؤمنون «هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ» لفظ «هیهات» بنابر تأکید، دو بار تکرار شده ولی با توجه به محتوای خود آیه و نسبت آن با آیات قبل و بعد که بیانگر انکار قیامت از سوی سردمداران کفر است غرض از تکرار «هیهات»، استبعاد و بعید شمردن وقوع قیامت به زعم کفار است.» (همان) بنابراین قرآن با تکرار کلمه «هیهات» به آنچه در عمق جان کفار و مشرکین نفوذ کرده که انکار شدید قیامت از سوی منکرین باشد، خبر داده است.

اگرچه در آیات متعددی از قرآن به موضوع «زندگی دنیا» از جهات مختلف پرداخته شده است، ولی ارائه تصویری از آن با به کارگیری مثل، فقط در سه آیه به کار رفته است و در هر سه مورد، زندگی دنیا به آب باران با آثار خاص آن در زمین و گیاهان تشبیه شده است. شاید در نگاه اول و در یک نگرش سطحی، این مسئله به عنوان تکرار بی مورد جلوه کند ولی گذشته از اصل عدم تکرار غیرمفید در قرآن، وقتی یکایک این آیات با واکاوی عناصر درونی و نسبت آن با آیات پسین و پیشین و همچنین فضای حاکم بر فکر و روح مخاطبان عصر نزول مورد ملاحظه قرار گیرد، معلوم خواهد شد که آنچه در نگاه سطحی و ابتدایی، تکرار به نظر می‌آمد در نگاهی عمیق و ژرف اندیشانه، امری ضروری و از ظرافت‌های سبک بیانی قرآن و مناسب با حال و هوای مخاطبان و نیاز زمان است. بنابراین در تحلیل این آیات با رویکردی تفسیری به مسئله «تکرار و تناسب» در تمثیل زندگی دنیا پرداخته می‌شود.

برون کاوی تمثیل حیات دنیا

درک فضای روحی و روانی حاکم بر آیات که تا حدی در گرو شناخت ما از احوال مخاطبان می‌باشد با مطالعه فضای نزول آیات از جهت مکی و مدنی بودن آنها به دست می‌آید. این جنبه از آگاهی موجب آشنایی بیشتر با ابعاد متفاوت آیات دارای تمثیل و رمز و راز «تکرار» در تمثیل می‌شود.

یک. آیه 24 سوره یونس

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فُجِعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

غالب مفسران، آیات سوره یونس را مکی دانسته‌اند. علامه طباطبایی بر این باور است که: «سیاق آیات و پیوستگی و اتصال آن نشان می‌دهد که همه آیات آن یک باره و در اوایل بعثت در مکه نازل شده است» (طباطبایی، 1417: 10 / 6) و دیدگاه کسانی که معتقدند آیات 94 تا 96 این سوره در مدینه نازل شده را رد می‌کند.

دو. آیه 45 سوره کهف

وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا.

در مورد آیات سوره کهف نیز اگرچه آلوسی، آیه 28 آن را به نقل از ابن عباس مدنی می‌داند. (آلوسی، 1415: 8 / 189) اما علامه طباطبایی با توجه به مشرب غالب خود در تفسیر، که توجه زیاد به سیاق آیات دارد، معتقد است که همه آیات سوره کهف مکی می‌باشد. (طباطبایی، 1417: 13 / 303)

سه. آیه 20 سوره حدید

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاحٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُورِ.

اگرچه غالب مفسران، سوره حدید را مدنی دانسته‌اند ولی فخر رازی آیات این سوره را مکی می‌داند. (رازی، 1415: 10 / 441) و میبیدی نیز قول مکی بودن را به کلبی نسبت داده است. (میبیدی، 1376: 9 / 475) اما علامه طباطبایی بر این باور است که این سوره به شهادت سیاق آیات آن در مدینه نازل شده است. (طباطبایی، 1417: 19 / 150)

به نظر می‌رسد با توجه به طرح موضوعاتی از قبیل: انفاق، قرض دادن به خدا و بخل و امساک بعضی از مسلمانان در عمل به این فرامین الهی، که بیشتر ناظر به وضع و حال مسلمانان در مدینه می‌باشد، قول به مدنی بودن این سوره به واقع نزدیک‌تر است. افزون بر این، لحن آیه مورد تمثیل در تحقیر دنیا و همچنین لحن آیات پیشین و پسین به گونه‌ای است که گویا خداوند می‌خواهد مؤمنانی را که تعلق به مال دنیا پیدا کرده و نمی‌توانند با دل کردن از آن، توفیق انفاق را نصیب خود کنند، هشدار

دهد تا مواظب فریب دادن دنیا باشند. وجود این قرائن معنوی، موید قول به مدنی بودن سوره است. برخی زمان نزول این آیه را سال پنجم هجری دانسته‌اند. (بازرگان، 1364: 4 / 247)

بر این اساس تمثیل آیات 24 سوره یونس و 45 سوره کهف در فضای فکری و فرهنگی مکه و مناسب با ساختار سیاسی - اجتماعی حاکم بر آن جامعه می‌باشد. افزون بر این با توجه به ترتیب نزول سوره یونس و کهف، که به ترتیب پنجاه و یکمین و شصت و نهمین سوره قرآن است. (معرفت، 1415 ق: 1 / 136) اگرچه هر دو سوره مکی است اما مخاطبین آنها اندکی با یکدیگر متفاوت هستند.

نکته دیگر اینکه با توجه به فضای فرهنگی و سیاسی حاکم بر مکه و مدینه در عصر نزول، غرض از تمثیل در دو آیه مکی، برداشتن موانع از فکر و جان کفار و مشرکین برای آغاز حرکت در مسیر کمال است اما غرض تمثیل در سوره حدید که مدنی است برداشتن موانع از مسیر حرکت رو به تکامل مسلمانان است. از این رو لحن و نحوه خطاب آیه به کسانی که هنوز حرکتی را در مسیر تکامل شروع نکرده و به راه نیافتاده‌اند با کسانی که حرکت در مسیر کمال را آغاز کرده ولی در بین راه با موانع درونی یا بیرونی مواجه شده‌اند، کاملاً متفاوت است. تکرار «مثل‌ها» ناشی از تنوع مخاطبان و وضع و حال آنها است و این مسئله دقیقاً مناسب با بلاغت در سخن و شیوه بیان است که قرآن در بالاترین درجه ممکن آن قرار دارد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن‌اثیر، ضیاء الدین، 1380 ق، المثل السائر، مصر، مکتبه نهضة.
- آلوسی، شهاب‌الدین سیدمحمود، 1415 ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تصحیح علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- بازرگان، مهدی، 1364، بازگشت به قرآن، تهران، قلم.
- حسینی، سیدجعفر سیدباقر، 1428 ق، اسالیب المعانی فی القرآن، قم، بوستان کتاب.
- خضری، جمال، 1431 ق، المقائیس الاسلوبیه فی الدراسات القرآنیة، بیروت، مؤسسه مجد.
- درویش، محیی‌الدین، 1408 ق، اعراب القرآن الکریم و بیانہ، دمشق، دار ابن‌کثیر.
- دهخدا، علی اکبر، 1373، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- سید قطب، 1419 ق، فی ظلال القرآن، قاهره، دار الشروق.
- سیوطی، جلال‌الدین، 1421 ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- _____، 1423 ق، علم المناسبات فی السور و الآیات، مکه، المکتبه الملکیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین، 1417 ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- عسکری، ابوہلال، 1412 ق، معجم الفروق اللغویه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- غزالی، ابوحامد، 1990 م، شرح اسماء الله الحسنی، بغداد، المکتبه الحدیثه.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، 1415 ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصری، ابن ابوالاصبع، بی‌تا، بديع القرآن، بی‌جا، نهضة مصر.
- معرفت، محمدهادی، 1415 ق، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- معین، محمد، 1376، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، 1376، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، امیرکبیر.
- هاشمی، احمد، 1417 ق، جواهر البلاغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

محمدتقی رفعت‌نژاد: استادیار دانشگاه پیام نور قم.

رحمت‌الله عبدالله‌زاده: استادیار دانشگاه پیام نور آران و بیدگل.

شیدالله رستخیز شورکایی: دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه پیام نور قم. (نویسنده مسئول)

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری 14